

دگردهیسی شهرداری از سنت محوری به مدرن مداری

گفتگو با دکتر شهرام یوسفی فر



○ مریم فاطمی

دکتر "شهرام یوسفی فر"، دانش آموخته‌ی رشته‌ی تاریخ ایران و عضو هیئت علمی پژوهشکده‌ی تاریخ پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی است. وی سال‌هاست که به صورت تخصصی در زمینه‌ی تاریخ اقتصادی و اجتماعی سده‌های میانه تاریخ ایران به پژوهش و تدریس اشتغال دارد. زمینه‌ی تخصصی مطالعات وی وضعیت اقتصادی، اجتماعی جامعه شهری ایران است و رساله دکترایش نیز با عنوان «اقتصاد شهری ایران در دوره‌ی سلجوقیان» در همین راستا تدوین شده است. پژوهش‌های بعدی وی نیز در مورد «تحولات ریخت‌شناسی شهرهای ایران، در رابطه شهر و روستا در سده‌های میانه ایران» و مفهوم شهر در سده‌های میانه ایران و نظایر این‌ها بوده است. محورهای پژوهشی اخیر دکتر یوسفی فر نیز در مورد ساختار و کارکردهای مناصب شهری در ایران، معطوف به ارزیابی الگوهای مدیریت شهری در سده‌های میانه ایران است. با این سابقه و زمینه‌های پژوهشی با سؤال‌های متعددی در مورد هویت شهر و شهرداری در بستر تاریخی و فعلی به سراغ او رفتیم تا پاسخ سؤال‌اتمان را جویا شویم:

ایران از تعبیر «سازمان اداری شهری» استفاده کنیم. بنابراین در پاسخ به این سؤال با اندکی تفصیل باید بگوییم که به طور کلی در تجربه‌ی تاریخی شهر در ایران سازمان اداری شهر از ساختار اجتماعی-فرهنگی و سیاسی شهر، که در مجموع هویت شهر را می‌ساختند، مجزا و متفاوت نبود. در آن تجربه هریک از

شهرها به نظر شما آیا شهرداری‌ها در گذشته بخشی از هویت شهرها محسوب می‌شدند؟

باتوجه به اینکه نهاد شهرداری یک پدیده‌ی مدرن در مناسبات شهری به شمار می‌آید، بهتر است برای اشاره به تجربه‌ی دیروزین شهرداری‌ها در شهرهای



شهریا نوع تعاملات و سکنی‌گزینی در شهر چگونه بود؟

اگر ابعاد سازمان اداری شهر به طور وسیع مورد بررسی قرار گیرد دیگر ویژگی‌های مورد نظر در آن آشکارتر خواهد شد. به عنوان مثال انطباق‌یابی واحدهای بلوک‌بندی شهر با نظام محله‌ای موجود در شهر، شیوه‌ای کارآمد برای اداره‌ی شهر به شمار می‌رفت. در این شیوه کدخدایان و کلاتران به عنوان رؤسای خاندان‌ها یا معتمدین یک گروه اجتماعی عهده‌دار وظائف اداری، انتظامی و قضایی در مناطق محدود و مشخص از شهر می‌شدند. به این ترتیب به سادگی ملاحظه می‌شود که سازمان اداری شهر با ساختار اجتماعی و حتی فضای موجود در شهر منطبق می‌شد. بنابراین از لحاظ اجرایی نیز توجه به سایر جنبه‌های سازمان اداری شهر در شهرهای ایران حکایت از آن دارد که سازمان مذکور جزئی از هویت اجتماعی و فرهنگی شهر به‌شمار می‌رفت.

شهریا آیا امروز هم شهرداری‌ها مبین هویت شهرشان و یا تأثیرگذار در هویت آن هستند؟

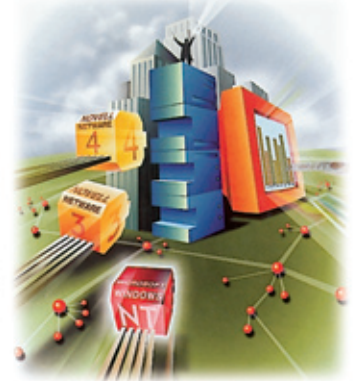
در شرایط متفاوتی که پس از پیدایش نهادهای مدرن در جامعه ایران ظاهر شد، امور اداره‌ی شهر که در قالب بلدیها و شهرداری‌ها تجلی یافت بر عهده‌ی کسانی قرار گرفت که در بدنه و ساختاری با خصلت غیر دموکراتیک، سازماندهی شده بودند. گسترش دامنه‌ی حقوق و وظایف حکومت در دوره‌ی معاصر ایران باعث شد سازمان اداره‌ی شهری ایران به عنوان ادامه دستگاه‌های اجرایی، امنیتی و قضایی به شمار رفته و تمایزی آشکار بین سازمان مزبور و هویت شهری پدیدار شود. به عنوان مثال درگذشته گروه متنفذ روحانیون وظایف مهمی را در حوزه‌ی قضایی و تصدی نهادهای اجتماعی و دینی برعهده داشته و از این طریق شماری از مناصب مهم را در سازمان اداری شهر تصدی می‌کردند، اما در نظام اداری جدید شهرها چنین امری نادیده انگاشته شده و به‌طور عملی ارتباط این گروه اجتماعی با سازمان اداره‌ی شهرها قطع شده است.

مناصب اداری شهر و سازمان‌های مربوطه‌ی آن نقش و کارکردهای مشخصی را در رابطه با روال‌های زندگی اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی مردم شهر متحقق می‌کردند و به هویت شهر شکل می‌دادند.

شهریا این مناصب که در واقع به هویت شهر شکل می‌دادند چگونه وارد حوزه‌ی اداره‌ی شهری می‌شدند؟

مناصب شهری توسط نمایندگان خاندان‌های شناخته شده‌ی شهر که دارای تجربه و سابقه در یک شغل یا تخصص خاص بودند، تکفل می‌شد، اگرچه مناصب نظامی و گاه سیاسی از این قاعده مستثنی بود. در واقع لایه‌ای از نخبگان شهری وظیفه‌ی اداره‌ی امور شهر را برعهده می‌گرفتند و به ایفای نقش دوگانه‌ی نمایندگی از جانب مردمان شهر و حمایت از حقوق آنها در برابر حکومت و در عین حال رعایت حقوق حکومت نسبت به مردم شهر، می‌پرداختند. کسانی که تصدی مناصب فرهنگی و دینی شهر را برعهده داشتند نیز در این نوع روابط دوجانبه قرار می‌گرفتند. در مورد دیگر دست اندرکاران امر اداره شهر نیز چنین بود.

بر این اساس لایه‌ای از نخبگان هر شهر، تصدی امور شهر را برعهده می‌گرفتند که در یک نگاه به مانند حلقه‌ای واسط میان بدنه‌ی جمعیت شهری و حکومت به نظر می‌رسیدند. حقوق و تکالیف این گروه با آنکه تفاوت‌هایی را در ادوار مختلف پیدا می‌کرد، اما به‌طور کلی معطوف به رعایت منافع دوسوی معادله یعنی حکومت و مردم بود. در این وضعیت سازمان اداره شهر به مانند جزئی از هویت آن شهر به شمار می‌رفت؛ زیرا تصدی مشاغل مالی و مالیاتی یا مشاغل امنیتی و انتظامی و دیگر مشاغل ایرانی و نظایر این‌ها در حکم تداوم ایفای نقش اجتماعی گروه‌هایی از مردمان شهرها بود که در حرفه‌ی مألوف خود صاحب تجربه بودند. به این ترتیب سازمان اداره شهر در ساختار شهر تنیده شده به نظر می‌رسید و تفاوتی بین سازمان اداره‌ی شهر با جامعه شهری وجود نداشت.



مناصب شهری توسط نمایندگان خاندان‌های شناخته شده‌ی شهر که دارای تجربه و سابقه در یک شغل یا تخصص خاص بودند، تکفل می‌شد

○

○



شوریا این قطع ارتباط در نظام اداری جدید نتیجه‌ی چیست؟

موارد مشابه وقوع انقطاع میان گروه‌های اجتماعی مختلف با سازمان اداری شهری را با دلایل مختلف می‌توان مورد مطالعه قرار داد. بدون تردید پیامدهای چنین روندی را باید در کاهش مشارکت عمومی در فرآیند تصمیم‌گیری در جامعه و پس رفت حوزه‌ی تکالیف و وظایف شهروندان در قبال مسائل مختلف جامعه شهری مورد توجه قرار داد. اما به نظر می‌رسد گرایش‌های مختلفی که در راستای نزدیک‌سازی بدنه‌ی سازمان اداری شهر به نظام اجتماعی موجود در شهر وجود داشته و دارد، پاسخی اولیه به این معضل است. ضرورت اجرای نظام شوراها و شوراییاری‌ها و جهت‌گیری به سوی طراحی و اجرای شماری از برنامه‌های اجتماعی و فرهنگی مبتنی بر احیاء نظام «محلّه» در کلان‌شهرها حکایت از آن دارد که ضرورت‌های ادغام وظایف و تکالیف نهادهای اداره‌ی شهر، از جمله شهرداری با سازمان‌های اجتماعی موجود در جامعه‌ی شهری کنونی ایران اجتناب ناپذیر است. به‌طور طبیعی پیامد چنین راهبردهایی امکان بازسازی هویت شهری ایران را بر مبنای اصل وحدت شهرداری با شهر فراهم می‌آورد.

دقیق برای زندگی وی در دستور کار مدیران جامعه قرار می‌گرفت. به این ترتیب آراء و نظریات راهبردی که در امر اداره‌ی شهر و چگونگی نظام‌بخشی به روابط مردمان در درون آن مورد توجه قرار می‌گرفت، بر مبنای آموزه‌های شریعت و آراء سیاسی، اجتماعی و اقتصادی مبتنی بر آن استوار شده بود. در واقع به نظر می‌رسد «شهر» در گذشته به‌عنوان مکانی که «خیر و سعادت این جهانی» انسان در آن قابل تحقق است،

مورد توجه قرار داشته است. در این چشم‌انداز متصدیان اداره‌ی امور شهر معنایی از شهر را در ذهن داشتند که تار و پود مناسبات شهری با رشته‌های "سنت" تنیده شده بود و آنچه در نزد آنها اهمیت پیدا می‌کرد به کار بستن اصل و معیارهای مقبول و تأیید شده‌ای بود که نسبت به اصالت و حقانیت آن در میان مدیران و مردمان شهر اجماع وجود داشت. هرچند گاه در شیوه‌ی کار به دلیل دخالت گرایش‌های شخصی، برخی اختلاف نظرها بروز پیدا می‌کرد.

شوریا با وجود تحولات بسیاری در مفاهیم معاصر «شهر»، انسان معاصر ایرانی دچار چه تحولی شده است؟
چشم‌انداز متفاوتی که از پدیده‌ی شهر در دوره‌ی

«شهر» در گذشته به‌عنوان مکانی که «خیر و سعادت این جهانی» انسان در آن قابل تحقق است، مورد توجه قرار داشته است

شوریا آیا نهاد شهرداری امروز را می‌توان در حکم ادامه‌ی نظام اداره‌ی شهری ایران در ادوار تاریخی به‌شمار آورد؟

هرگونه بحث در مورد دیروز و امروز نهاد اداره‌ی شهر در ایران مستلزم توجه دقیق به شباهت‌ها و تفاوت‌های این نهاد از چشم‌انداز تاریخی با وضعیت کنونی آن است. به‌طور کلی

شیوه‌ی اداره‌ی شهرها در ایران و سازمان اداری‌ای که برای این منظور ظاهر شده بود، براساس متن اجتماعی- اندیشه‌ای شکل گرفته بود که امروزه از آن باعنوان «سنت ایرانی و اسلامی» یاد می‌شود. براساس آموزه‌های مسلط در آن، حوزه شهر به مانند جامعه‌ای که نوع انسان در آن باید به سعادت این جهان برسد در نظر گرفته می‌شد و از این رو باید برنامه‌ریزی‌های



پیدایش مناسبات شهرنشینی و بالطبع ظهور نهادها و مؤسسات ویژه اداره‌ی شهر در ایران به دوران مادها و پیش از آن برمی‌گردد. بدون تردید ظهور هریک از نهادهای شهری ملازم با تلاش‌های فکری ایرانیان بوده است تا هرچه بهتر شرایط زندگی در شهرها را بهبود بخشیده و هویت شهریان را در پیوستگی با مناسبات اجتماعی و فرهنگی که در آن بسر می‌بردند، دقیق‌تر تعریف کند. بنابراین ظهور هر نهاد مدنی و مؤسسات اجتماعی در ایران متلازم با نظریات و مبانی اندیشه‌ای است که به‌عنوان مبنای تأسیس و استمرار بعدی هریک از آن نهادها محسوب می‌شود.

اما از میان بسیاری از تجربیات ارزشمند گذشته که امروزه می‌تواند به‌عنوان زمینه‌های تأمل و مطالعه در مورد روش‌ها و نظریات بدیل در موضوعات مورد نظر مطرح شود، چند مورد بیشتر خودنمایی می‌کند. از آن میان ابتدا می‌توان به الگوها و شیوه‌های برقراری تأمین اجتماعی یا حمایت اجتماعی که در گذشته معمول بوده است، اشاره کرد. آنچه مورد نظر است روالی است که مردمان شهری برای دستگیری اقشار و گروه‌های

فرو دست جامعه از آن بهره می‌برند. عنایت به مشکلات و معضلاتی که تکدی‌گری و نابسامانی‌های ناشی از آن در جامعه پدید آورده است در کنار ضرورت‌های دیگری که برای برقراری حمایت از واماندگان و کسانی که در تأمین امور معیشت خود وامانده‌اند و حکایت از آن دارد که امروزه تصور عامه چنین است که رسیدگی به این مسائل در حیطه‌ی وظایف دولت است و یا در نهایت ریختن وجوه اعانات به صندوق‌های مربوطه از سوی برخی مردمان، کفایت لازم برای سر و سامان بخشی به امور اشاره شده را دارد. در واقع به‌نظر می‌رسد مسوولیت‌های اجتماعی و اخلاقی مجراهای ساده‌ای برای بروز دارد و از این طریق خیال همگی آسوده شده که دیگر وظیفه‌ای درمورد این مسائل به دوش آنها سنگینی نمی‌کند. اما مرور گذشته حکایت از تفکر و روال دیگری دارد.

تجربیا این روال در گذشته چگونه بوده است؟

در گذشته حضور فرد در جامعه شهری توأم با نوعی احساس هشیاری و حساسیت نسبت به کلیه هم‌نوعان و

معاصر ایران به‌وجود آمد، ماهیت جامعه شهری و آموزه‌های مسلط بر آن را دچار دگرگونی اساسی کرد. در این دوره شهر به مثابه‌ی بستر زایش و تجلی مناسبات مدرنیته مورد توجه قرار گرفت و آموزه‌ها و نظریات در مورد مفهوم «شهر» متفاوت از گذشته شد.

معیارها و روال‌های اداره‌ی شهر در دوره‌ی «سنت» جای خود را به اصول و ضوابط جدیدی داد که به‌صورت رایگان از فرهنگ اروپا اخذ و اقتباس شد.

هنگامی که ماهیت و معنای شهر در ذهن و نظر ایرانیان دگرگون شد، مفهوم و موجودیت جدیدی از پدیده‌ی «شهر» در جامعه ایران شکل گرفت. وقتی در آن تأمل می‌کنیم، بیش از هر چیز نامالایمات و

آسیب‌هایی را که برای زندگی آدمیان به بار آورده برجسته می‌بینیم. بر این اساس در دو نوع شهری که در ماهیت و اساس با یکدیگر تفاوت دارند، می‌توان دو الگو و نظام متفاوت اداره‌ی شهر را ملاحظه کرد. شهری که در آن «انسان» محور برنامه‌ریزی و مدیریت شهری بود و شهری که «شهروند»

را در خود جای داده است و قصد دارد آنچه را که به‌نام «حقوق شهروندی» تعریف شده است، برای او به ارمغان آورد. در نهایت در پاسخ به این سؤال که آیا نهاد شهرداری امروز ادامه‌ی نظام اداره‌ی شهری گذشته است باید گفت که با وجود تلاش‌ها برای تلفیق روال‌های مرسوم و شناخته شده با دستاوردهای مدرنیته، دخالت حکومت و ارکان تصمیم‌گیرنده‌ی آن در این زمینه، زوال زود هنگام روال‌های پیشین را در پی داشته است.

بنابراین به هنگام بحث در مورد تجربه اداره‌ی امور شهر در گذشته‌ی ایران باید متوجه تفاوت‌های آن تجربه با آنچه که تجربه نوین اداره‌ی جامعه شهری به‌شمار می‌رود، بود و در ارزیابی و بهره‌برداری از تجارب گذشته برای اکنون، جمیع ملاحظات روش‌شناسانه و نظری مربوطه را در نظر داشت.

تجربیا بهره‌مندی از این تجارب چگونه و در چه ابعادی باید صورت گیرد؟ آیا تجربه‌ی شهری گذشته‌ی ایران می‌تواند برای مدیریت شهری امروز کارآمد باشد؟



قوانین از سوی مردم است. این امر در گذشته چگونه صورت می‌پذیرفت؟

در این مورد می‌توان از نظریه‌ی «ابن خلدون» در مورد ارزیابی مؤسسات مدنی و چگونگی وضع قوانین برای شهرها استفاده کرد. وی در تشریح وجوه حکمرانی اسلامی و تکالیف آن اشاره دارد که حکمران وظیفه دارد برای حفظ دین و سیاست دنیا بکوشد. وی برای رعایت مصالح مسلمانان باید به اعمال سیاست بپردازد و به عمران شهری اقدام کند. از این رو اجرای امور مختلف مربوط به جامعه به‌عنوان وظایف شخص خلیفه به‌شمار می‌رفت و بر آن اساس ارکان اجرایی که در جامعه وجود داشت به‌عنوان بازوهای اجرایی وی موجودیت می‌یافت. در این الگو دو ساحت دینی و سیاسی امور با یکدیگر منطبق

بوده و در نتیجه سیاست‌ها و مقرراتی که برای سامان بخشی به زندگی مردمان شهری وضع می‌شد با هم سازگار بودند. شهرهای واقع در سایه‌ی چنین نظامی تنها می‌بایست قوانین و مقرراتی را که وضع شده بود، پیاده می‌کردند. در این میان، گروه فقها و علمای مسلمان در

گسترانیدن آیین‌نامه‌های مزبور در پایین‌ترین سطوح و لایه‌های جامعه نقش به‌سزایی داشتند. باتوجه به اینکه قوانین و مقررات موردنظر برنامه‌ی کاملی را برای مناسبات اجتماعی جامعه شهری دربرداشت، انواع معاملات و روابط انسان‌ها براساس برنامه‌ی دقیق و منظم ساماندهی می‌شد و از انسجام بسیار نیز برخوردار بود.

شورای ضمانت اجرایی و یا درواقع انگیزه‌های که مردم را برای رعایت آن قوانین و مقررات ترغیب می‌کرد، چه بود؟

پشتوانه‌های اعتقادی و اخلاقی مردمان شهری در یک دوره‌ی تاریخی به‌عنوان اساسی‌ترین ضمانت اجرایی قوانین مزبور عمل می‌کرد؛ به‌گونه‌ای که به‌سرعت مقررات و ضوابط وضع شده مثلاً برای شیوه‌ی ساخت و ساز بناها یا معماری منازل مسکونی به‌عنوان قوانینی لازم‌الاجرا که فرد ناگزیر از اعمال آنها بود، درآمد. البته ضمانت‌های اجرایی دیگری نیز برای مقررات شهری در نظر گرفته شده بود و پیدایش

همشهریان اطراف خود بود. دایره‌ی احساس مسوولیت حتی فراتر از همشهریان فرد کشیده می‌شد و کسانی که یک‌بار گذرشان از یک شهر می‌افتاد را نیز شامل می‌شد. مجرای ظهور این احساسات نوع دوستانه در شکل مؤسسات حمایتی بسیار کارآمد تجلی می‌یافت و در نهاد وقف متجسم می‌شد. افرادی که از حدی توانایی مالی برخوردار بودند با پیروی از رویه معمول وقف دارایی خود، مؤسسه‌ای مالی برپا می‌کردند که با تعریف دقیق و مشخص مصارف آن در زمینه‌های متنوعی شرایط رشد و تکامل را برای گروه‌ها و افراد نیازمند فراهم می‌کرد. برخی از زمینه‌های مورد نظر عبارت بودند از: اطعام فرودستان در فواصل زمانی مشخص و به‌صورت پایدار، فراهم آوردن

امکان تحصیل رایگان برای فرودستان، تدارک هزینه‌ها و مایحتاج کسانی که به‌دلایل مختلف در مسافرت و رسیدن به مقصد خود دچار مشکل شده بودند، تدارک هزینه‌های ثابت و مکفی برای بچه‌های بی‌سرپرست، تدارک هزینه‌های ثابت برای کمک به ازدواج جوانان و تهیه مایحتاج اولیه

زندگی آنها، تهیه لباس و پوشاک برای فقرا، تدارک کمک‌های مالی برای گروه‌های کم درآمد و ضعیف جامعه. به‌نحوی که از فروپاشی مناسبات خانوادگی و سقوط آنها جلوگیری شود و بسیاری مصارف دیگر که برای ترویج و تشویق جشن‌ها و شادی‌ها در بین مردم جامعه و یا بزرگداشت ایام مذهبی و سوگواری که هویت دینی و اجتماعی مردمان را مدنظر قرار داده بود. به‌طور خلاصه اگر وقف‌نامه‌های بسیاری را که در این زمینه در دست است مورد بررسی قرار دهیم به این واقعیت می‌رسیم که شیوه‌های برقراری حمایت و تأمین اجتماعی در جامعه شهری گذشته بسیار کارآمدتر از آن خدماتی است که امروزه به‌عنوان کارکردهای شهری از سوی سازمان‌های دولتی انجام می‌گیرد.

شورای یکی از دغدغه‌های جدی مسوولان و دست‌اندرکاران سازمان اداری شهر، وضع قوانین مناسب برای اداره‌ی بهتر شهرها و نیز چگونگی اجرای مناسب آن قوانین در شهر و برقراری ضمانت اجرایی کارآمد برای اجرای این

شیوه‌های برقراری حمایت و تأمین اجتماعی در جامعه شهری گذشته بسیار کارآمدتر از آن خدماتی است که امروزه به‌عنوان کارکردهای شهری از سوی سازمان‌های دولتی انجام می‌گیرد



مناسبات روزمره زندگی مردم دستورالعمل‌هایی صادر کند و این صلاحیت‌ها باعث می‌شد آنچه از ناحیه وی اعلام می‌شد برای شهرنشینان پذیرفتنی و قابل قبول باشد.

در عین حال بدنه‌ای کارشناسی در این حوزه فعال بود که عمدتاً براساس گزینش مجرب‌ترین اهل هر حرفه و پیشه مبتنی بود. در پیوند این بدنه‌ی کارشناسی با توانایی‌های عالمان دینی بود که وضع بسیاری قوانین و مقررات در حوزه‌های مختلف شهری و کسب و کار و معاش مردمان، امکان‌پذیر می‌شد. از سوی دیگر پذیرش و به کار بستن آن در نزد مردم مرتبط با موضوع قانونگذاری و وضع مقررات با سهولت صورت می‌گرفت. توجه به ساز و کار در درجه‌ای که پیوند بین تجربیات اجتماعی و حرفه‌ای را با دانش حقوقی و حوزه شریعت برقرار می‌کرد، راز پویایی و توانایی‌های مناسبات شهری ایران در ادوار گذشته است.

○ آنچه در فضاهای شهری- اجتماعی در حال شکل‌گیری است، این است که رویدادها و الگوهای اداری شهر را به‌سوی اعمال مدیریت غیر مستقیم و نامحسوس می‌برد ○

شهریبا به‌عنوان سؤال آخر آیا می‌توانید شهری را بدون شهرداری تصور کرد؟

شهر به‌عنوان یک جامعه نمی‌تواند عاری از یک نهاد اداره‌کننده باشد. تصور شهر بدون شهرداری تنها در حوزه‌ای خیال امکان‌پذیر است و البته پرداختن به آن نافی تجربیات تاریخی و کنونی بشر است. به عبارت دیگر تاریخ زندگی شهری حکایت از آن دارد که پیدایش جوامع بشری و استمرار حیات آن متلازم با حضور نهادی مؤثر بوده است که امور مربوط به مدیریت و اداره‌ی امور مختلف شهری را متکفل باشد تا نظام ضروری برای تداوم مناسبات شهری را فراهم کند.

نکته دیگر اینکه، آنچه در فضاهای شهری-اجتماعی در حال شکل‌گیری است، این است که رویدادها و الگوهای اداری شهر را به‌سوی اعمال مدیریت غیر مستقیم و نامحسوس می‌برد و شبکه مدیریت مجازی را جایگزین برخی وجوه سخت‌افزاری مدیریت کنونی می‌کند که این‌ها را نمی‌توان به معنای حذف نهادی چون شهرداری از زندگی شهری قلمداد کرد. بلکه در واقع ساز و کار اداره‌ی شهر و نهادهای متلازم آن در آینده با تغییر شرایط دگرگون خواهند شد اما هنوز نمی‌توان نظر خود را به جامعه‌ی شهری که فاقد مرکزیت برنامه‌ریزی و اجرای راهبردها باشد، معطوف کرد.

برخی مؤسسات اجرایی و نظارتی مانند احتساب در این راستا مورد بهره‌برداری قرار می‌گرفت. "محتسب" به‌عنوان نماینده اجرایی شخص حکمران و قاضی مسئول برقراری نظارت بر اجرای قوانین و مقررات وضع شده‌ای بود که به مردم اعلام شده بود. نهاد احتساب و شخص محتسب با آنکه برای انجام وظایف خود از پشتوانه‌ی سلطه‌ی سیاسی و اجرایی بهره‌مند بود، اما بنا به روال معمول در انتخاب متصدی این شغل اغلب کسی در نظر گرفته می‌شد که از نفوذ اجتماعی و اعتبار شخصی

نیز برخوردار باشد. موارد بسیاری از سرگذشت محتسب‌ها در تاریخ زندگی شهری ایران وجود دارد که حاکی از آن است که محتسبان با تکیه بر تئوری‌های عملی، بنا به تحصیل در علوم اسلامی و صلاحیت‌های اخلاقی و بنا به سلوک مردم‌دارانه‌ی خود و نیز تجارب غنی مدنی که برای ارزیابی مناسبات اجتماعی و فهم چگونگی رفتار و معاملات شهریان اهمیت داشت، به مانند مؤثرترین رکن در اعمال و برقراری نظارت اجتماعی نقش ایفا کرده و در به سامان رساندن زندگی شهری مؤثر واقع شده‌اند.

شهریبا تجربه‌ی تاریخی وضع قوانین و مقررات شهری و رعایت آن از جانب شهروندان در مقایسه با امروز را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

در گذشته حوزه تقنین و اجرای مصوبات دو حوزه‌ی کاملاً منفک از هم بود، از این رو شباهت‌هایی با وضعیت کنونی شیوه‌ی اداره‌ی شهرها داشت. اما تفاوت اصلی آن تجربه با تجربیات کنونی در چگونگی وضع قوانین و مقررات و نیز به‌کار بستن آن و ساز و کار متفاوت با آن است. در گذشته کسانی که برای هر یک از دو حوزه‌ی وضع قوانین و مقررات و یا اجرای آن برگزیده می‌شدند واجد صلاحیت‌های عمومی و اختصاصی ویژه‌ای بودند. صلاحیت‌های عمومی آنها شامل آن دسته از توانایی‌ها و مهارت‌هایی بود که در نتیجه‌ی دریافت آموزش‌های ضروری به‌دست می‌آمد.

از جمله تحصیل علوم معمول زمان که البته همه آنها تحت لوای شریعت اسلامی نظام یافته بودند. به این ترتیب که عالم دینی در مسند حاکم شرع و دیگر مناسب مشابه قرار می‌گرفت و آمادگی پیدا می‌کرد تا برای

